بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

مارس 2015 – اسفند 1393

شماره 52

nhkommittehamahangi@gmail.com
http://nahadha.blogspot.com/
boltanxaberi@gmail.com

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری، تشکل سراسری کارگران! سمینار سوم
نگاهی به تجارب مبارزات کارگران نفت در ایران

علی پیچگاه فعال جنبش کارگری، عضو شورای کارکنان نفت مقطع قیام بهمن 1357

Paltalk Otage: Iran - Tajarobe Kargari Category: Asia,... Subcategory: Iran

یکشنبه 1 مارس 2015، ساعت 20.00 بوقت اروپای مرکزی، 10 اسفند 1393 ساعت 22.30 بوقت ایران

---

8 مارس (روزجهانی زن) امسال هم صداو همگام با زنان کارگر برعلیه نظام حاکم سرمایه بپا خیزیم!

به یاد کارگران جان باخته خاتون آباد

برعلیه مجازات اعدام، قتل سازمان یافته حکومت دیکتاتوری رژیم اسلامی ، متحدا عمل نماییم!

فراخوان

از کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی پیگیرانه دفاع و خواهان آزادی فوری آنها شویم!

8 مارس (روزجهانی زن) امسال هم صداو همگام با زنان کارگر برعلیه نظام حاکم سرمایه بپا خیزیم

امسال در شرایطی به استقبال 8 مارس روز جهانی زن می رویم. که طبقات فرودست جامعه ایران بر اثر تورم و گرانی سرسام آور ناشی از بحرانهای اقتصادی با چالش بزرگی روبرومی باشند. این وضعیت فلاکت بار که بیشتر دامن طبقه کارگر و زحمکتشان را گرفته، بیشترین ضربه را متوجه زنان کارگر نموده است. در سیستم سرمایه‌داری حاکم بر جامعه ایران، زنان، بخش وسیعی از طبقه کارگر را تشکیل می‌دهند که ضمن اینکه پراکنده و بی تشکل هستند اما عمدتاً در مشاغل مختلف از جمله زنان کارگر در بخش صنایع و خدمات، زنان پرستار و معلم و... به کار مشغولند و در مراکز کار و تولید به شدت استثمار می‌شوند. و درصدی هم جزء بیکاران هستند اما کل این زنان شاغل و غیرشاغل تحت مناسبات ستمگرانه و مردسالارانه، کار رایگان خانگی را بر عهده دارند. در مناسبات نابرابر سرمایه داری، زن نه تنها بعنوان یک کارگر نیروی کارش، "بلکه" بعنوان یک مادر و بعنوان یک زن نیز مورد ستم و سرکوب هم قرا ر می گیرد.

در شرایط کنونی که سرمایه‌داری جهانی با بحرانی عمیق دست و پنجه نرم می‌کند بخش بزرگی از بار این بحران را بر دوش زنان گذاشته و با به خدمت گرفتن هرچه بیشتر این بخش از جامعه در مشاغل غیررسمی، سعی دارد با پایین نگه داشتن دستمزدها از این بحران عبور کند. افزایش فشار اقتصادی، زنان هرچه بیشتر جذب مشاغل کم درآمد و بخش غیررسمی می‌شوند. طبق آمار بانک جهانی ٦٠ درصد از ٥٥٠ میلیون کارگر بی بضاعت جهان را زنان تشکیل می‌دهند.

در اوضاع و احوال کنونی، با توجه به شرایط فلاکت بار اقتصادی، روز به روز زنان بیشتری با دستمزدهای ناچیز و بدون هیچ قراردادی دررستوران‌ها، منازل، مزارع، مهد کودک‌ها، مطب‌ها، فروشگاه‌ها، آرایشگاه‌ها، کارگاه‌های کوچک و خانگی و مراکزی از این دست مشغول به کار می‌شوند.

کارگران زن در زمان اشتغال به کار و استخدام جزو آخرین نفرات هستند، زمان اخراج و بیکار سازیها در صف اول قرار می گیرند. کارگران زن دائماً در معرض خطر اخراج شدن می باشند، کارگران زن حتی زمانی که کار یکسان و همردیف با کارگران مرد انجام می دهند، دستمزد پایین تری می گیرند دستمزدهائی که امروزه در برخی از واحدهای تولیدی به کارگران زن پرداخت می شود، در بیشتر مواقع از یک سوم دستمزدهای ناچیز رسمی و تعیین شده نیز پائین تر است. در نظام سرمایه داری کارگر زن بودن، معنایش محرومیت، ستمکشی و استثمار خشن تراست. کارگر زن هم در محیط کار تبعیض ونابرابری را با گوشت و پوست خود لمس می کند،هم در بیرون از کارخانه. سرمایه داری با تمام ابزار و امکاناتش از این تبعیضات ونابرابری ها در جامعه دفاع نموده وآن را تقویت می نماید. جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام ارتجاعی زن ستیز این تبعیضات و نابرابری ها را در ابعاد وسیعی تشدید و نهادینه نموده و به آن پوشش قانونی داده است.

هر زمان که طبقه کارگر برای خواسته ها و مطالبات اقتصادی – سیاسی بر علیه رژیم سرمایه اسلامی پا به میدان مبارزه گذاشته، زنان کارگر و خانواده های کارگری بعنوان یک بخش از کل طبقه نقش مهمی در مبارزه ایفا نموده اند.

دراعتصاب کارگران معدن بافق و غیره ...، در مبارزات سندیکای شرکت واحد و دهها اعتصاب و اعتراض مراکزتولیدی.... خانواده های کارگران همدوش همسران و کارگران مرد در این حرکت شرکت کرده و با حمایت از اعتصابات و اعتراضات بر علیه دولت و صاحبان سرمایه نقش مهمی را ایفاء نموده اند.

مشاغلی نظیر پرستاری ومعلمی عمدتا" بر عهده زنان است. زنان پرستار در شرایطی کار می کنند که دستمزدشان زیر خط فقر می باشد. این شغل در واقع یکی از مشاغل سخت و طاقت فرسا است که در آن، ساعات کار طولانی، اضافه کاری و شبکاری و کمبود امکانات، پرستاران را در معرض فشارهای جسمی و روحی فراوان قرار می دهد.

پرستارانی که تازه فارغ التحصیل شده اند غالبا" به صورت پیمان کاری یا قراردادی کار می کنند.اضافه کاری و نوبت کاری آنان اجباری بوده، آنان مجبورند ساعات طولانی به کارهای سخت وطاقت فرسا بپردازند. پرستاران علاوه بر همه این مسائل به دلیل قرارداد موقت دائما" با مشکل عدم امنیت شغلی نیزمواجه هستند.

معلمین نیز وضعیتی بهتر از پرستاران ندارند، با دستمزدی زیر خط فقر کار می کنند و با تحمل قوانین ارتجاعی و سانسور محیط کار به امر بسیار پر مسئولیتی می پردازند که بدون اینکه از حداقل امکانات رفاهی برخوردار باشند. اعتراضات معلمین طی چند سال اخیر در جهت حقوق حقه خود بطور مداوم جریان داشته است. پرستاران و معلمین در طول سالهای ننگین حکومت جمهوری اسلامی بارها با صف مستقل خود به اعتراض و اعتصاب برای حقوقهای معوقه خود و یا افزایش دستمزدهای خود به خیابان آمده و یا جلو بیمارستان و مراکز دولتی به تجمع دست زده اند و به مبارزه برخاسته اند. از آن جمله می توان به بیانیه اخیر معلمان پیرامون اعتراضات فرهنگیان نسبت به مشکلات موجود در آموزش و پرورش برای تاریخ دهم اسفند۹۳ اشاره داشت.

برای برون رفت از اینهمه تبعیض و نابرابری تنها در جریان حرکت جهت دستیابی به خواسته‌های واقعی و معین هست که زنان کارگر و زحمتکش می‌توانند آگاهی پیدا کرده ومتشکل شوند و به مبارزات خود عمق و وسعت ببخشند. مبارزه زنان کارگر تنها در اتحاد طبقاتی با مردان کارگر معنی پیدا می کند که از یک منفعت طبقاتی مشترکی برخوردارند.

امروزه خواسته زنان، دستیابی به برابری کامل زن و مرد در همه عرصه‌های اقتصادی – سیاسی و اجتماعی و دستیابی به حقوق انسانی می‌باشد. قطعا برابری کامل زنان و مردان بدون از بین بردن مناسبات سرمایه داری جمهوری اسلامی امکان پذیر نخواهد بود و این رسا لت تاریخی را فقط جنبش کارگری با سازمانیابی کارگران زن و مرد می تواند متحقق نماید. اتحاد و همبستگی در بین زنان طبقه کارگر، به امر آگاه گری و متشکل شدن زنان کارگر کمک می نماید.

ما نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور هشت مارس (روزجهانی زن) امسال را همگام و همصدا به تمام زنان و مردان کارگر آزاده ایی که در راستای نیل به اهداف مشترک طبقاتی و هم زمان برای رهائی خود و کل زنان جامعه مبارزه می نمایند، شادباش می گوئیم . با این امید به اینکه امسال سال پیشروی جنبش کارگری در امر تشکل یابیش باشد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com
http://nahadha.blogspot.com/

چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۳ برابر با ۱۸ فوریه ۲۰۱۵

بیانیه تشکلهای مستقل کارگری پیرامون تعیین حداقل مزد

ما کارگران با اتکا به قدرت اتحاد و همبستگی مان لحظه ای در دفاع از معیشت خود درنگ نخواهیم کرد

امروز هر انسان شریف و منصفی بر این واقعیت غیر قابل انکار واقف است که میلیونها کارگر و انسان زحمتکش از کارگران صنایع بزرگ و کوچک تا معلمان و پرستاران و بازنشستگان در بدترین وضعیت معیشتی ممکن در تاریخ 50 ساله اخیر کشور قرار دارند، طوریکه بنا بر اذعان کارشناسان و نهادهای رسمی حکومتی در حال حاضر زندگی میلیونها خانواده کارگری به سه برابر زیر خط فقر سقوط کرده است و میوه و گوشت و لبنیات در حال برچیده شدن از سفره های خالی آنان است .

چنین شرایط دهشتناکی در کشوری قحطی زده رخ نداده، بلکه این وضعیت بر کارگران و زحمتکشان کشوری تحمیل شده است که دارای نیروی جوان و تحصیل کرده و ماهر و بالاترین ذخایر ترکیبی نفت و گاز جهان است. آیا شرم آورتر از این وجود دارد که در چنین کشوری معلمان به سرویس ایاب و ذهاب دانش آموزان شان تبدیل بشوند و دست به مسافر کشی در خیابانها بزنند؟ آیا در چنین کشوری شایسته است که کارگران و دیگر زحمتکشان بازنشسته به دلیل ناچیز بودن حقوق بازنشستگی به شکل خرد کننده ای دغدغه معیشت داشته باشند؟ آیا در چنین کشوری می باید میلیونها کارگر با ساعات کار 12 ساعته و 18 ساعته در مقابل همسر و فرزندانشان شرمنده لقمه ای نان باشند؟ آیا در چنین کشوری می توان قبول کرد که هزاران نفر در آن دست به فروش کلیه بزنند و تن فروشی و نکبت اعتیاد و استیصال و نا امیدی از زندگی، میلیونها نفر از مردم آن کشور، از نوجوانان تا جوانان و کهنسالانش را در خود فرو برد؟

بی تردید پاسخ همه ما کارگران و عموم مردم شریف ایران به همه این سوالات منفی است. از همین رو هم بوده است که ما کارگران و دیگر زحمتکشان هیچگاه در دفاع از شرافت انسانی خود ساکت ننشسته ایم و علیرغم بگیر و ببند و زندان و محاکمه و تعقیب قضائی به هر شکل و شیوه ای از طومار نویسی تا اعتصاب و تجمع خواهان پایان دادن به وضعیت فلاکتبار موجود شده ایم. اما انگار که در این مملکت کارگران حق حیات ندارند، طوری که چرخه تحمیلِ حداقل مزدی خفت بارتر از پیش، هر ساله با خیمه شب بازی تشکلهای دست ساز دولتی و شورایعالی کار با زیر پا گذاشتن ماده 41 قانون کار به ستمگرانه ترین شکلی تکرار میشود و میلیونها خانواده کارگری در معرض فقر و فلاکت روز افزون تری قرار می گیرند. تداوم چنین چرخه توقف ناپذیری از تحمیل ستم معیشتی بر ما کارگران در طول سالها و دهه های گذشته تا بدانجا پیش رفته است که امروز در حالیکه حداقل مزد کارگران 608 هزار تومان است و بسیاری از آنان حتی همین حداقل را نیز دریافت نمی کنند طبق اذعان کارشناسان و نهادهای رسمی حکومتی سبد هزینه یک خانوار چهار نفره به بیش از سه میلیون تومان رسیده است و بدین گونه ادامه حیات و بقا ما کارگران عملا غیر ممکن شده است .

لذا با عنایت به این واقعیت محرز و غیر قابل انکار، ما امضا کنندگان این بیانیه با یادآوری اعتراضات اخیر معلمان و کارگران صنایع خودرو سازی و عزم و اراده خلل ناپذیر عموم کارگران برای برخورداری از یک زندگی مطابق با استانداردهای امروزی به دولت و صاحبان سرمایه اعلام می داریم چنانچه به فوریت فاصله سبد هزینه بالای سه میلیون تومانی با حداقل مزد خفت بار 608 هزار تومانی پر نشود، روزبروز بر عمق و دامنه اعتراضات کارگران افزوده خواهد شد و ما با اتکا به قدرت اتحاد و همبستگی مان لحظه ای در دفاع از معیشت خود درنگ نخواهیم کرد.

2اسفند 1393

اسامی امضاء کنندگان بیانیه به ترتیب حروف الفبا: -1 اتحادیه آزاد کارگران ایران -2 کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری -3 کانون مدافعان حقوق کارگر - 4 کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری -5 سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه -6 سندیکای کارگران نقاش استان البرز

به یاد کارگران جان باخته خاتون آباد

چهارم بهمن سالروز مبارزه کارگران مجتمع مس خاتون آباد از توابع شهربابک بر علیه نظام سرمایه جمهوری اسلامی است. کارگران این مجتمع که با قراردادهای موقت و سفید و شرایط بسیارسخت کاری، نا امنی محیط، عدم تامین شغلی و... مجبور به کار بودند، ازاواخر دیماه سال 1382 اقدام به اعتراض جمعی نمودند، و خواستار استخدام دائم و قطع اخراجها شدند. اما پاسخی از مسئولان مجتمع نگرفتند. کارگران دست به تحصن درمحیط کار زدند آنها، دروازه های مجتمع و جاده منتهی به آن را بستند. فریاد اعتراض کارگران، درشهربابک طنین افکن گردید. درپی این حرکت همبستگی طبقاتی،همراهی و همگامی با کارگران در سطح وسیعتری آغازشد. مبارزه در شنبه چهارم بهمن ماه به اوج خود رسید. مبارزه ازمحیط کار به خیابان کشیده شد. در این روز چند صد کارگراعتصابی در اعتراضات خیابانی، به سوی فرمانداری شهر حرکت نمودند و بر ضرورت تحقق خواستهای خود، در برابر مقامات دولتی جهل و سرمایه پا فشاری نمودند. بسیاری ازخانواده های کارگران و اهالی شهربابک ،همراه وهمگام با کارگران اعتصابی شدند. شهربابک تقریبا یک پارچه به حرکت درآمده بودند.

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، کارگران را از زمین وهوا به گلوله بست. دهها تن ازتظاهرکنندگان زخمی شدند و چهارتن ازکارگران بنامهای: جاویدی، ریاحی، مؤمنی و مهدوی و همچنین یک دانش آموز بنام پورامینی به ضرب گلوله های رژیم جهل و فساد اسلامی، جان باختند.

هرچند این جنایت، اولین کشتار در جمهوری اسلامی نبوده و نخواهد بود، و لیکن نشان داد که تمامی جناحهای حکومتی در سرکوب و کشتار کارگران و فعالین آن، همصدا وهم رأی هستند.

کارگران خاتون آباد در زمان ریاست جمهوری خاتمی به قتل رسیدند. خاتمی، کسی بود که با ادعای عدالت خواهی و رفاه، به ریاست جمهوری رسید.

اکنون که یازده سال از کشتار کارگران خاتون آباد می گذرد، دولت روحانی که با هزار فریب و نیرنگ، وعده وعید به سر کار آمد، نه تنها نتوانسته به یکی از ادعاهای پوشالیش جامه عمل بپوشاند بلکه در این دو سال اخیر حکومتش و در پرتو سیاستهای جدید جهانی سرمایه، به استثمار و بی حقوقی مطلق بر کارگران ایران افزوده است. تورم و گرانی سر سام آور، اخراج و بیکارسازی و قراردادهای سفید، کاهش دستمزد و بالا کشیدن حقوق معوقه، لغو ابتدایی ترین بیمه های اجتماعی کارگری، تحمیل قوانین ضد کارگری در باز گذاشتن دست کارفرماها، بیش از پیش زندگی کارگران را به ورطه نابودی کشانده و در چنین شرایطی دامنه اعتراضات و اعتصابات کارگری در ایران ابعاد وسیعی به خود گرفته است.

برای مقابله با اعتراضات و اعتصابات کارگری، برای جلوگیری از گسترش و ارتقاء و سراسری شدن مبارزات، رژیم اسلامی سرمایه یک راه بیشتر نمی شناسد و آن سرکوب علنی این اعتراضات و دستگیری و زندانی نمودن فعالین کارگری و محکوم کردن آنها به احکام دراز مدت می باشد.

جناحهای جمهوری اسلامی، چه درقدرت و چه خارج از قدرت که منافع بورژوازی ایران را نمایندگی می نمایند ازیک قماشند. آنان جزاستثمار بیشتر کارگران و دامن زدن به جو سرکوب و اختناق، هدف دیگری را دنبال نمی کنند.

توحش حکومت اسلامی سرمایه در سرکوب کارگران و اعتراضات آنها هر روز به قوت خودش باقی است، اما کشتار کارگران خاتون آباد و حمله به آنها از زمین وهوا به وحشیانه ترین شکل نه تنها در جنبش کارگری برای همیشه به ثبت رسید بلکه اذهان طبقه کارگر ایران و جهان را به این جنایت ضد بشری و کارگری معطوف نمود. چهارم بهمن، ایستادگی و مقاومت کارگران خاتون آباد نقطه عطفی در تاریخ جنبش کارگری ایران است و مقاومت و مبارزه کارگران خاتون آباد ثابت نمود که فقط با اتکاء به نیروی طبقاتی است که می توان بر علیه دشمن به مبارزه بر خاست و بمراتبی که کارگران متشکل تر باشند قادر خواهند بود نیروهای مزدور سرمایه را به عقب برانند.

با گرامیداشت جان باختگان کشتار کارگران مس خاتون آباد بدست دژخیمان رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، همبستگی طبقاتی با کارگران ایران را هر چه بیشتر گسترش دهیم، صدای حق طلبانه آنان را هر چه رساتر منعکس نمائیم و حاکمیت سرمایه را در ایران افشاء نمائیم.

تاریخ مبارزات طبقه کارگر در جهت دفاع از مطالبات حق طلبانه شان مملو از کشت و کشتار، زندان و شکنجه توسط مرتجعین حاکم بر ایران بوده است. سرمایه داری از هر امکان و فرصتی استفاده کرده است که از دستیابی کارگران به حقوق حقه خود جلوگیری نماید و در این راستا است که رژیمهای سرمایه داری در ایران دستاوردهای جنبش کارگری را مصادره و آنان را سبعانه سرکوب کرده است.

ما نهادهای همبستگی باجنبش کارگری ایران - خارج کشور در روز 4 بهمن روز کشتار کارگران خاتون آباد، همگام با جنبش کارگری ایران و همراه با خانواده های گرامیشان، یاد آن عزیزان و تمامی کارگران جانباخته در ایران را گرامی داشته و با

همبستگی و همیاری در راه تحقق خواسته های طبقاتی کارگران متحدا علیه نظام گندیده سرمایه داری مبارزه را به پیش خواهیم برد.
تاریخ مبارزات طبقه کارگر همیشه و همه جا، هر اندازه که سیستم سرمایه داری در توان داشته، مملو از توطئه، تهدید و فشار، سرکوب سیستماتیک، اخراج، زندان و شکنجه، کشتار، ترور و اعدام بوده و خواهد بود. اما پاسخ طبقه کارگربه رژیمهای سرمایه داری وسرمایه داران ، پافشاری بیشتربرادامه مبارزه برای رسیدن به زندگی بهترو انسانی میباشد. ستم دیدگان واستثمارشدگان امروزی ، گورکنان فردای سیستم سرمایه داری وسازندگان دنیائی بهترهستند.

ژانویه 2015

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

http://nahadha.blogspot.com/

//

برعلیه مجازات اعدام، قتل سازمان یافته حکومت دیکتاتوری رژیم اسلامی ، متحدا عمل نماییم!

رسالت و ماموریت روحانی دراین بود که با هزینه کردن از جیب خالی کارگران و سایر زحمتکشان، سرکوب و اعدامهای گسترده بدون توقف، نظام سرمایه را حفظ کند. جمهوری اسلامی، بقاء خود را در فقر روز افزون زحمتکشان، زندان، شکنجه، اعدام و سلب آزادی توده های زحمتکش جامعه جستجو می نماید. دوران حکومت بربریت رژیم اسلامی مملو از خشونت و آدمکشی است که هر روز آن را تولید و باز تولید می نماید.

دستگیری فعالین کارگری و سیاسی و اجتماعی، سرکوب اعتصابات و اعتراضات و صدور احکام زندان بی شرمانه برای آنان در ادامه پروژه اعدامها توسط دیکتاتوری اسلامی هدفی جز ایجاد ترس و واهمه درجامعه ندارد. مجموعه این سرکوب ها و اعدامها، اعم از زندان و اعدام فعالین کارگری و دیگر آزادیخواهان، دامن زدن به ایجاد یک فضای ارعاب عمومی است که حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی در مدت بیش از سه دهه از عمر ننگین اش کوچکترین تخفیفی در آن قائل نبوده است.

مجازات اعدام، به مثابه قتل سازمان یافته یکی از شنیع ترین ابزارهایی است که چه در دست حکومت های دیکتاتوری و چه حکومتهایی که ادعای دمکراسی بورژوایی را دارند، به عنوان قتل عمد و ارتکاب جنایت با تصویب دولت با روندی جنون آمیز به پیش می رود و از هر طیف و اقشاری را در بر می گیرد. اعدام همیشه نقض اساسی‌ترین حقوق بشر هر جامعه است. شهروندان هر جامعه ایی می

باید از این حق طبیعی برخوردارباشند که برای خواسته ها ی اقتصادی و سیاسی خود مبارزه کنند، بدون اینکه مورد تهدید حکومتهای جنایتکار قرار گیرند و به زندان و اعدام محکوم شوند.

رنج و درد جسمانی که در زمان حکم اعدام به شخصی وارد می‌شود قابل تصور و اندازه‌گیری نیست، همچنین رنج و درد روانی برای فردی که در انتظار مرگ است. این که حکم اعدام شش دقیقه پس از پایان دادگاه انجام شود و یا شش هفته و بیشتر پس از یک دادگاه طولانی، شخص اعدامی در هر کدام از این موارد به درجات متفاوت تحت شکنجه و آزار روحی قرار می گیرد.
اعدام سمبل ترور و وحشت و ضعف حکومت متوحش جمهوری اسلامی است. ایران به مدد حکومت سرمایه مادون قرون وسطایی اش، که از داعشهای آدمکش هم پیشی گرفته، در جهان جزء پیشقراولان جنایت اعدام محسوب شده و رتبه نخست را به نسبت جمعیت دارا می باشد. اعدام در ایران هر ساله رشد صعودی داشته است. بر اساس آمار رسمی سازمان حقوق بشر، در حالیکه در سال ۲۰۰۵ تعداد اعدام شدگان در ایران ۹۴ نفر بوده است، این تعداد در سال ۲۰۱۳ به بیش از ۸۰۰نفر افزایش داشته و ۱۲ درصد بیش از سال ۲۰۱۲ بوده است. مسلما" با توجه به اعدامهای مخفیانه که خبر آنها کمتر پخش میشود، تعداد اعدام شدگان در ایران باید فزون تر از اینها باشد.

دولت جمهوری اسلامی برای فائق آمدن بر بحران های اقتصادی و سیاسی ناچار است که فضای اجتماعی جامعه را بشدت میلیتاریزه کند و با سرکوب و اعدام که از زمان آغاز حکومتش تا کنون بطور سیستماتیک و هر روزه ادامه داشته است، اجازه ندهد هیچ نیروی معترضی در جامعه، مبارزه منسجمی را علیه سیستم موجود سازمان دهد.

احضارهای مکرر فعالین کارگری به حراست، دادگاه ها یا اداره های پیگیری اطلاعات، بازداشت های مکرر، تعلیق از کار و احکام سنگین برای در زندان نگه داشتن فعالین کارگری و سایر آزادیخواهان، همه و همه فشارها و مشکلات روزمره ایست که کارگران و توده های مردم از اقشار و طبقات مختلف روزانه با آن مواجه اند.

اکنون فعالین کارگری و زندانیان سیاسی بسیاری در زندان به سر می برند، عده زیادی در انتظار نتایج دادگاه های خود هستند و دهها نفر نیز تحت فشارهای امنیتی و در شُرف اعدام قرار دارند.

آنچه مسلم است توقف این اعدامها، یک مبارزه طبقاتی همه جانبه از طرف طبقه کارگر و سایر جنبشهای اجتماعی را می طلبد. طبقه کارگر بنا به رسالت اجتماعی اش تنها نیرویی است که با اعتصابات و اعتراضات خود می تواند بر یکه تازی سرمایه داری تا دندان مسلح افسار زده و به اینهمه جنایت خاتمه دهد و آزادی فعالین کارگری، سیاسی واجتماعی دربند را تضمین نماید. همچنین باید این معضل جدی اعدامها را در سطح خارج کشور منعکس و افشاء نموده و از تمام نهادها و اتحادیه کارگری در سطح بین المللی خواهان حمایت از توقف و لغواعدام و محکوم کردن جمهوری اسلامی شد. فعالین نهادهای همبستگی در این راه از هیچ اقدامی خودداری نخواهند کرد.

نهادهای همبستگی باجنبش کارگری درایران – خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com
http://nahadha.blogspot.com/

یکشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۳ برابر با ۲۵ ژانویه ۲۰۱۵

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری درایران برگزار می‌کنند:

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

تشکل سراسری کارگران!

سمینار سوم

نگاهی به تجارب مبارزات کارگران نفت در ایران

علی پیچگاه فعال جنبش کارگری،

عضو شورای کارکنان نفت مقطع قیام بهمن 1357

Paltalk

Otage: Iran - Tajarobe Kargari

Category: Asia,... Subcategory: Iran

یکشنبه 1 مارس 2015

ساعت 20.00 بوقت اروپای مرکزی

10 اسفند 1393 ساعت 22.30 بوقت ایران

نهادهای همبستگی به برگزاری یک سلسله جلسات عمومی با فعالین کارگری و یا عضو تشکلها و نهادهای کارگری، برای انتقال تجربه وبحث حول مسائل مهم سیاسی جنبش کارگری و ... برای کمک به ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری در دورهٔ حاضر میپردازد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com
http://nahadha.blogspot.com/

فراخوان

از کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی

پیگیرانه دفاع و خواهان آزادی فوری آنها شویم!

نظام ضد کارگری جمهوری اسلامی بارها با تعرض وحشیانه و دستگاه سرکوب خویش، سعی داشته که کارگران را از ابتدایی ترین حقوق، حتی در زندان نیز محروم سازد. در حال حاضر این نقض آشکار در مورد یکی از فعالین کارگری کمیته پیگیری در راه ایجاد تشکلهای کارگری بهنام ابراهیم زاده میباشد. بهنام این کارگر مبارز و آگاه، مورد بدرفتاری و تهدید مزدوری چون خدابخشی قرار گرفته و وقیحانه اعلام نموده است که "هرکاری بخواهیم با تو می کنیم"!

اما پیشروان آگاه کارگری که زندان را هم به عرصهٔ مبارزه ای رودر رو با رژیم مزدورو سرکوبگر سرمایه تبدیل کرده اند را باکی از این تهدیدات نیست و استوارانه در اعتراض به پرونده های بی اساسی که برایشان تشکیل داده اند، اعتراض می کنند و مصرانه بر حقانیت خود و لزوم آزادی بی قید و شرطشان پای می فشارند.

سایر زندانیان، از جمله 26 زندانی سیاسی و امنیتی در زندان مرکزی ارومیه به اسامی: علی افشاری، ولی افشاری، حبیب افشاری، کیهان درویشی، شیرکو حسن‌پور، محمد عبداللهی، خزر رسولی‌راد، سامان نسیم، امیر ملادوست، سیروان نژاوی، جعفر میرزایی، ابراهیم رضاپور، محمد عبدالبخت، عبدالله اصغری، عبدالرحمان سلیمان، سیدسامی حسینی، عبدالله حمودی، احمد تموئی، عثمان مصطفی‌پور، بهروز آلخانی، مصطفی الرحمان، یوسف کاکه‌ممی، سیدجمال محمدی، علیرضا رسولی، شورش افشاری و مصطفی داوودی، بیش از سه هفته است که در اعتراض به فشارها و بی توجهی های مسئولین دست به اعتصاب غذا زده اند که حال 8 تن از آنها وخیم گزارش شده، اما مسئولین بند 12 زندان ارومیه بجای رسیدگی به خواست های برحق آنان، بیشرمانه گفته اند: "آنقدر اعتصاب کنید تا بمیرید"!

همچنین مسعود شمس‌نژاد وکیل و حقوقدان کرد از روز سه‌شنبه ۱۸ آذر ماه در بند کارگران زندان ارومیه در اعتراض به عدم موافقت با مرخصی درمانی‌اش، عدم رعایت قانون تفکیک جرایم و... دست به اعتصاب غذا زده است.

بهنام ابراهیم زاده در اعتراض به مأمورین و اهانت های وقیحانهٔ آنها، پس از 15 روز اعتصاب غذا و بی هوش شدن، اکنون 3 روز است که با اعتصاب غذای خشک به مبارزه اش ادامه می دهد.

کارگران دستگیر شده اخیر از جمله ریبوار عبداللهی، فرزاد مرادی نیا ، فردین میرکی و ... در زیر شدیدترین فشارها هستند و اطلاع دقیقی از وضع آنها در دست نیست.

جنایات و اعمال ضد انسانی زندانبانان حد و مرزی نمی شناسد تا جایی که حتّا زندانیان عادی یا متهمین به جاسوسی نیز در نتیجهٔ فشارهای وحشیانه ناگزیر در اعتراض دست به اعتصاب غذا زده اند.

علاوه بر اینها طبق گزارش "هرانا"، هم اکنون بیش از 80 زندانی سیاسی (با ذکر نام)، مبتلا به بیماری های سخت و خطرناکی هستند، ولی زندانبانان از اعزام آنان به بیمارستان و هر کوششی برای مداوایشان خودداری می کنند.

(https://hra-news.org/fa/prisoners/bimaran)

نهادهای همبستگی با جنبش کارگران ایران ـ خارج کشور، یک بار دیگر از تمامی خواسته‌های عادلانه و به حق فعالین کارگری زندانی و دیگر زندانیان سیاسی ، دفاع می‌کند و خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. ما هرگونه تعرض نسبت به کارگران به ویژه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را محکوم می‌کنیم و یاد آور می‌شویم که مسئولیت هرگونه عواقب احتمالی به ویژه ماجرای اخیر در مورد بهنام ابراهیم زاده ودیگر زندانیان سیاسی در حال اعتصاب، به عهده‌ی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است.

ما از همه‌ی نیروهای آزادیخواه و مترقی و فعالین کارگری خواهانیم که اعتراضات خود را در حمایت از بهنام ابراهیم زاده و دیگر کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی اعلام نمایند.

در هر کجا که هستیم و به هرشکل که میتوانیم برای آزادی بی قید وشرط و رهایی بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، ... و همه کارگران زندانی و نیز تمامی زندانیان سیاسی اقدام نمائیم.

کارگرزندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردند!

نابود باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

30 آذر 1393 – 21 دسامبر 2014

nhkommittehamahangi@gmail.com
http://nahadha.blogspot.com/
boltanxaberi@gmail.com

به اتحادیه های کارگری،

احزاب مترقی، سازمان های مدافع حقوق بشر و تمامی انسان های آزادیخواه جهان

آی انسانها،

در دنیایی که در زیر حاکمیت نظام سرمایه، جان انسان ها به ارزان ترین کالا تبدیل شده و هر لحظه اخباری از کشتار ده ها، صدها و هزاران انسان به اشکال مختلف در اقصا نقاط جهان می شنویم، همسو با آن فرقه های قرون وسطایی بنیادگرا وحشیانه انسانها را فلّه ای از دم تیغ می گذرانند، در عصری که ظلم، ستم، تجاوز، فساد، استثمار و غارت و تعدی بیداد می کند و میلیون ها انسان قربانی آن هستند، در شرایطی که در زندان های "متمدن" ترین کشورها شاهد فجیع ترین رفتارهای ضد انسانی با زندانیان هستیم، در این زمانهٔ بربریت، آیا هنوز می توان از ظلمی آشکار که بر یک زندانی در گوشه ای از این جهان می رود، سخن گفت و فریاد او شد و انسانیت را به دادخواهی فرا خواند؟ آیا هنوز انسانیت زنده است و انسان هایی هستند که لحظه ای به آن زندانی و ستم بی حدی که به او می رود بیاندیشند؟ آیا تو خوانندهٔ این سطور، خود یکی از آن انسان ها هستی؟ پس به صدای وجدانت برای کمک به رهایی این انسان گوش فرا ده!

بهنام ابراهیم زاده کارگری که به جرم دفاع از کودکان کار و حقوق کارگری و فعالیت در عرصهٔ حقوق بشر به 5 سال زندان محکوم شده بود و تنها 5 ماه به پایان محکومیتش باقی مانده بود و در این سال ها نیز مورد بدترین رفتارها و فشارها و تضییقات قرار داشت و بارها مورد ضرب و شتم و اهانت قرار گرفت و یا در انفرادی محبوس شد یا او را به بند زندانیان عادی خطرناک تبعید کردند که در اعتراض چندین بار دست به اعتصاب غذا زد، در حالی که همین سه روز پیش در آخرین اعتصاب غذای یک ماهه اش، نهایتاً به درخواست تنها فرزند 15 سالهٔ مبتلا به سرطانش – که بخاطر او نیز شدیداً در رنج بود – و بسیاری همکاران و انسان های آزاده به اعتصابش پایان داد، اما دژخیمان کینه توز زندان های جمهوری اسلامی، که در برابر استقامت، پایداری و حق طلبی بهنام به زانو درآمده بودند، ددمنشانه با پرونده سازی های کاذب، مجموعاً او را به 9 سال و نیم دیگر زندان محکوم کردند. اگر حاکمین، آمرین و عاملین این جنایات بویی از انسانیت نبرده اند، تو، تو ای انسان صدایت را علیه این احکام ضد انسانی بلند کن، به یاری آن انسان دربند و فرزند بیمارش برخیز و نشان بده که در همین دنیا با تمام فجایعش، انسانیت هنوز نمرده است.

- با بهنام، همسر و فرزندش اعلام همبستگی کنید
- به مقامات جمهوری اسلامی اعتراض کرده و خواهان لغو احکام و آزادی بی قید و شرط بهنام شوید.
- طومارهای اعتراضی تهیه کرده و به سفارتخانه ها و کنسولگری های جمهوری اسلامی در کشور محل اقامت خود تحویل بدهید.
- در شهر و کشور محل اقامت خود، کمپین های حمایتی و اعتراضی سازماندهی کنید.
- پتیشن های حمایت از بهنام و اعتراض به جمهوری اسلامی را امضاء کنید.
- و ...

اگر بتوانیم برای رهایی یک انسان گامی برداریم، آنگاه خواهیم توانست برای رهایی بشریت از نظام ضد انسانی حاکم، گام های بلندتری برداریم.

ژانویه 2015

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

http://nahadha.blogspot.com/

گزارش کوتاهی ازشب برگزاری یادبود جانباختگان خاتون آباددرشهرهانوفر

کانون همبستگی هانوفردرششم فوریه ، برگزاری شب یادبودجانباختگان خاتون آباد راسازمان داد. دراین برنامه درابتدا پس ازاطلاع رسانی ازدرگذشت رفیق محمودراسخ ،اطلاعیه نهادهای همبستگی درباره مبارزات کارگران خاتون آباد قرائت گردید. درمجموع برنامه که درحدود دوساعت ادامه داشت ، دوپیام ویدئوئی ازایران ، ازرفقا محمد عبدی پور وفریبرز رئیس دانا ، دو کلیپ کوتاه درمورد مبارزات کارگران ایران وفعالین کارگری دربند ، چند شعرخوانی وچندین بارموسیقی زنده ، اجراشد. مقداری کمک مالی نیز برای جنبش کارگری ایران جمع آوری گردید. یکی ازرفقائی که دربسیاری موارد یاری رسان کانون همبستگی باجنبش کارگری ایران- هانوفرمیباشد ، گزیده ای ازاین برنامه را بصورت ویدئوئی آماده کردوبرای پخش درسایت رادیو- تلویزیون برابری قرارداده است . این گزیده تحت عنوان " یادمان کارگران جانباختهء خاتون آباد ، کانون همبستگی - هانوفر"درآن سایت موجود است .درضمن همچنین گزیده ای کوتاه ازاین برنامه درتلویزیون هفتگی کارگاه ایرانیان درهانوفرپخش شد.

گزیده ویدئوئی برنامه آدرس برای مشاهده

http://barabari.tv/video/hannover10022015.html

کانون همبستگی باجنبش کارگری ایران - هانوفر

شکایت دولت از کارگران معدن بافق را قویا" محکوم می کنیم!

پنج ماه از آخرین اعتصاب نزدیک به ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن مرکزی بافق می‌گذرد . با وجود آنکه کارگران اعتصابی در پی وعده لغو خصوصی سازی ۵/۲۸ درصد از سهام این معدن و عدم پیگرد قضایی ۹ کارگر بازداشتی به کار بازگشته بودند، طبق خبرهای رسیده نه تنها از وعده و وعید لغو خصوصي سازي خبري نيست، بلکه اتهامات وارده بر این ۹ کارگر پس گرفته نشده و یک جلسه از دادگاه آن‌ها برگزار شده است در ۱۳ بهمن ماه اولین جلسه دادگاه علیه ۹ کارگر که در پی شکایت کارفرما در جریان آخرین اعتصاب کارگران معدن سنگ آهن مرکزی بافق بازداشت شده بودند برگزار شد. امیرحسین کارگران، و علی صبری، دو کارگری که پیش از آغاز اعتصاب کارگران به جرم اخلال در نظم عمومی، بازداشت شده بودند و رضا خواجه زاده، محمدرضا ایرانی، علی‌محمد تشکری، رضادهستانی و کاظم کارگران به اتهام تمرد از فرمان مامورین حکم بازداشت دریافت نمودند. البته کارفرما در جریان همان اعتراضات اعلام کرده بود شکایتش را از کارگران پس گرفته است .

در اعتراض کارگران به این دادگاه و اتهامات وارده به آنها و اینکه کارفرما شکایت خود را پس گرفته است و آنها نباید مجددا" دادگاهی شوند، اما پاسخی که از فرماندار دریافت نمودند به آنها گفته است که او از آن‌ها شکایت نکرده بلکه دولت از آن‌ها شکایت کرده است.

کارگران بافق کرمان اعتصاب موفقی را بر علیه خصوصی سازیها به پایان رساندند. تا زمانیکه متحدانه و سازمانیافته این اعتصاب را به پیش بردند، دولت و صاحبان سرمایه در تقابل با این حرکت متشکل کارگران مجبور به عقب نشینی شدند و بطور موقت تن به خواسته های کارگران بافق دادند. آنها اطلاع داشتند که چنین اعتصاب مهمی بدون دخالتگری کارگران آگاه و قابل نفوذ در میان آنها امکان نداشت متحقق شود. کارفرما □□□ و نمایندگان دولت از جمله فرماندار در طول مدت اعتصاب چاره ایی نداشتند که شکایت خود و حکم بازداشت این ۹ نفر را پس بگیرند و عقب نشینی نموده و برای پایان دادن به اعتصاب به وعد و وعید متوسل شوند. اما زمانی که اعتصاب با توافق ریاکارانه دولت و صاحبان سرمایه به پایان رسید، و دیگر کارگران متشکل معدن بافق را در مقابل خود ندیدند، شروع به توطئه و زهر چشم گرفتن از کارگرها با احضار دوباره آنها به دادگاه و زیر پا گذاشتن وعده و وعیدهای دروغین خود نمودند.

این حرکت کارگران بافق یزدضمن اینکه دستاوردهایی که برای آنها و طبقه کارگر داشت، اما به علت فقدان تشکل مستقل خود دولت و کارفرماها راحت به این نتیجه رسیدند که با تهدید کارگران و ایجاد جورعب و وحشت کارگران را از انجام دوباره این اعتصاب باز داشته و طرح خصوصی سازیها را به آنها تحمیل نمایند. این برخورد دولت و نمایندگان آن به کارگران بافق درس بسیار ارزنده ایی برای کل طبقه کارگر ایران است. تا زمانیکه کارگران از تشکلهای واقعی خود محروم هستند، هر حرکتی از طرف کارگران حتی حرکت عظیم و باارزش کارگران معدن بافق شکننده خواهد بود. امروزه که اعتصابات کارگری به علت شرایط بد اقتصادی و اجحافاتی که در مورد کارگران روا داشته می شود رو به گسترش است، آنچه اولویت دارد به عنوان اولین خواست کارگران در کنار خواسته های دیگرشان،تحقق خواست حق تشکل و بر پائی تشکلهایشان می باشد. از طریق این تشکلها اعتصابات پراکنده هر صنایع و مراکز خدماتی می توانند در حمایت از هم بر خیزند و دولت سرمایه را وادار به تحمیل خواسته های خود نمایند.

ما نهادهای همبستکی با جنبش کارگری ایران – در خارج کشور حکم بازداشت تحمیلی به کارگران بافق را محکوم می نماییم، و بر این باوریم که متشکل شدن کارگران معدن بافق در تشکل مستقل خود

خواهد توانست به این بازداشتها و بی سرنوشتی وعده لغو خصوصی سازی ۵/۲۸ درصد از سهام این معدن خصوصی سازیها خاتمه دهد. در عدم متشکل شدن کارگران و تشکلهایشان دولت و صاحبان سرمایه مزدور نه تنها از این وعده های دروغین دست بر نخواهند داشت بلکه هر روز با طرحهای ریاکارانه تری بر معیشت کارکران حمله نموده، و فقر و فلاکت بیشتری را به آنها تحمیل خواهند نمود.

درود بر کارگران مبارز معدن بافق یزد

اتحاد و متشکل شدن در تشکلهای توده ایی ضامن پیروزی است!

نهادهاي همبستگي با جنبش كارگري ايران- خارج كشور
nhkommittehamahangi@gmail.com
http://nahadha.blogspot.com/

شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۹۳ برابر با ۰۷ فوریه ۲۰۱۵

&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&&

پاسخ به جنایت شارلی هبدو
برافراشتن پرچم آزادی های بی قید وشرط سیاسی است!

جنایت حمله تبهکاران تروریست اسلامی به نشریه طنز"شارلی هبدو"و جان باختن دوازده تن از روزنامه نگاران، کاریکاتوریست ها و دیگر افراد بی گناه بی تردید یکی از نفرت انگیزترین جنایاتی است که در حمله به آزادی بیان صورت گرفته است. خمینی رهبر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران،با صدورفتوای قتل سلمان رشدی نقش پیشقراولی دشمنی آشتی ناپذیر بنیادگرائی اسلامی با آزادی بی هیچ حدو استثناء، آزادی قلم و آزادی های سیاسی رابه عهده گرفت واکنون تروریست های تبهکار

داعشی همان راه را ادامه می دهند. مسئول اصلی سربرآوردن جریانات اسلام گرای تروریستی ، سرمایه داری اروپاوآمریکااست .اینان خودچنین جریانات مرتجعی چون طالبان ، القاعده ، داعش وو.. رابمنظورمقابله باجنبش کارگری ،چپ وکمونیستی درکشورهای اسلامی بوجودآوردند،تقویت کردندوازنظرمالی وتسلیحاتی مجهزساختند.

جنایت ترور"شارلی هبدو"به نوبه خود بهترین سوختبار تبلیغاتی برای رشد جریانات نژادپرست، راست افراطی و فاشیستی را فراهم ساخته تا با برپائی موج اسلام هراسی نفوذ خود را در افکار عمومی و به ویژه در میان اقشاری که از بحران کنونی سرمایه داری جهانی صدمه دیده اند،گسترش دهند.مهاجرینی که هدف حمله نیروهای فاشیستی و راست افراطی قرار گرفته اند درشمار فقرزده ترین این جوامع و آسیب پذیر ترین بخش طبقه کارگر کشورهای اروپائی و از جمله اصلی ترین قربانیان سیاست های ریاضت اقتصادی حاکم بر اتحادیه اروپا هستند.
آزادی های سیاسی در کشورهای اروپائی دست آورد دو قرن مبارزات متمادی طبقه کارگر اروپا می باشد که از طریق پیکارها، جنبش ها و انقلاب های پیاپی علیه سرمایه داری و دولت های حامی آن به دست آمده است.هر نوع تهدید و محدود ساختن آزادی بلافاصله از سوی طبقه سرمایه داران و دولت های حامی آن ها برای تعرض به تشکل های کارگری و جنبش های مترقی اجتماعی برای برچیدن دست آوردهای جنبش های کارگری در عرصه آزادی، دمکراسی و برابری مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. نباید اجازه داد که قربانیان مهاجر و خارجی ستیزی و نیز قربانیان فاشیسم جبهه متحد طبقه کارگرعلیه تعرض بی رحمانه وخشن سرمایه داری را تضعیف سازند.

پاسخ به ترور"شارلی هبدو" برافراشتن پرچم آزادی های بی قیدوشرط سیاسی، متحد ساختن قربانیان بحران جاری سرمایه داری برای مبارزه ای متحد و متشکل علیه سرمایه داری و برای آزادی و سوسیالیسم است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور
ژانویه ۲۰۱۵

nhkommittehamahangi@gmail.com

http://nahadha.blogspot.com/

ابراز تاثر وتالم

فعالان نهادهای همبستگی با جنبش کارگري ايران ـ خارج کشور

به رفيق دربند شاهرخ زمانی و همه فعالين کارگری و زنان مبارز

ستم را لرزاندي و رفتي !

ياد و خاطره بانوي مبارز زرين نجاتي گرامي باد

زرين نجاتی مبارز و زنداني زمان شاه و مادر کارگر زنداني (شاهرخ زمانی) در ٤ بهمن ماه ١٣٩٣ بر اثر بيماری سرطان در گذشت .

مادر زرين نجاتی در مقابل هر دو رژيم سرمايه داري شاه و جمهوري اسلامي استوار ايستاد و براي احقاق حقوق زندانيان سياسي کوشيد. او در زمان رژيم شاه در دفاع از زندانيان سياسي و از جمله همسرش بهمن زماني دو بار بازداشت شد.

در زمان جمهوري اسلامي نيز در دفاع از زندانيان و از جمله پسرش شاهرخ زماني مرتب راهي ادارات، بيدادگاه ها و بندهای مختلف زندان ها بود و با زندانبانها و دژخيمان رودررو بود. مادرزرين نجات يکی از هزاران مادری بود که براي دفاع از حقوق زندانيان و براي زنده نگه داشتن ياد اعداميان سياسي و عقيدتي عمرخود را در راهرو ها و دالان های پر پيچ و خم دادگاه ها و زندانها و نيز محل به خاك سپردن جان باختگان راه آزادي و سوسياليسم گذراند.

ما ياد و خاطره اين مادر قهرمان را گرامي مي داريم.

ما مرگ اين زن قهرمان را به اعضاي خانواده او به ويژه رفيق دربند شاهرخ زمانی و فعالان "کمپته حمايت از شاهرخ زمانی" ،همه فعالين کارگری و زنان مبارز از صميم قلب تسليت مي گوييم.

نهادهاي همبستگي با جنبش کارگري ايران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com
http://nahadha.blogspot.com/

سه شنبه ٧ بهمن ١٣٩٣ برابر با ٢٧ ژانويه ٢٠١٥

گرامي باد خاطره کارگر کمونيست، يداله خسرو شاهي

پنج سال پیش در۴ فوریه ۲۰۱۰ (۱۵بهمن۱۳۸۸) رودخانه ای توفنده و زلال از تلاطم وجهش بازماند. قلب پرتپش یداله خسروشاهی، از فعالین برجسته و یار دیرینه جنبش کارگری از حرکت باز ایستاد.

يداله خسروشاهی از نسل کارگران کمونيستي بود که مدت ٥ دهه براي اتحاد، همبستگي طبقاتي و ایجاد تشکلات مستقل کارگري مبارزه کرد و به زندان رفت. او از کارگران نفت و دبیر سندیکای کارگران پالایشگاه تهران در اوایل دهه ۱۳۵۰ بود. رفیق یداله نقش بسزایی در سازماندهی و هدایت اعتصابات صنعت نفت در دوره انقلاب ۵۷ داشت و عضو فعال شورای سراسری کارکنان شرکت نفت بود.

يداله خسرو شاهی به دلیل سازمانگري سنديکايي و فعاليت هاي سياسي اش سال هاي زيادي از زندگي خود را در زندان های رژیم های سلطنتی و جمهوری اسلامی به اسارت گذراند و تحت شکنجه و آزار قرار گرفت. پس از خروج از ایران نیز تا آخرین روزهای زندگی به گونه ای خستگی ناپذیر و پیگیر در جهت تقویت تشکلهای مستقل کارگری و جلب حمایت بین المللی ازمبارزات کارگران ایران فعالیت کرد.

خبرناگهانی از دست رفتن او، موج گسترده‌ای ازتاثر وهمدردی درمیان شخصیت ها و گروههای سیاسی، فعالین کارگری، اتحادیه ها، دوستان و یاران او چه در داخل و چه در خارج از ایران برانگیخت. این هم زبانی گرایشات گوناگون و حتی متناقض نشانگر احترامی است که در دل همگان کاشته بود. با درگذشت يداله خسرو شاهی جنبش کارگری و سوسياليستي يکي از ياران وفادار خود را از دست داد.

ما خاطره اين فعال کارگري را گرامي مي داريم و تلاش هاي او براي پيشبرد منافع کارگران و آرمان سوسياليسم را ارج مي نهيم.

نهادهاي همبستگي با جنبش کارگري ايران- خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

/http://nahadha.blogspot.com

یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۳ برابر با ۰۱ فوریه ۲۰۱۵

قوانین اساسی " ویژه زنان- مصوب 1 نوامبر 2014 توسط رهبری کانتون جزیره غرب کردستان- سوریه

" نهاد رهبری اداره دمکراتیک، نهاد خود مدیریت کانتون جزیره " از کانتون های سه گانه کردستان –سوریه، قوانین اساسی ویژه حق و حقوق زنان را به شماره 22 در روز 1 نوامبر 2014 در 27 همین نشست خود به تصویب رسانید. رهبری کانتون " هدیه علی یوسف و حمید دهام العاصی، روسای اصلی کانون آنرا امضا وپخش نمودند، و تاکید کردند که قوانین در آن کانتون قابل اجرا می باشد!

مقدمه: نظر به آسیب پذیری زنان در جوامع ما از طریق القاء مفاهیم مردانگی بربسیاری از معضلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی، و ظلم و ستم و به حاشیه راندگی و عقب ماندگی و محرومیت از حقوقی که این واقعیت به زن تحمیل می کند، علاوه بر میراث سنتی، که مانع از پیشرفت زنان و سدی برای آرمان آینده ای بهتربرای زنان است، و وجود قوانین و مصوبات عاملین استبداد- بر علیه زنان- که گواه عمیقی ست بروجود و ادامه مبارزه زنان برای رسیدن به حقوقشان، و در عین حال بازتاب می دهد که نفی آن -بی عدالتی- نه تنها وظیفه زنان بلکه وظیفه کل جامعه است، همچون طلاق با خواست یک طرف، ازدواج اجباری و چند همسری و مسائل بی شماری از این دست که فشار و لطمات آن تا به امروز وجود دارد؛ باور ما به اهمیت نقش زن در خانواده است که هسته اساسی جامعه را تشکیل می دهد و همانا آزادی زن شرط اساسی ایجاد خانواده دموکراتیک و جامعه ی آزاد خواهد بود ، و همچنان مبنای اداره هر سطح جامعه از تقویت نقش زن و مشارکتش در ساختن و پیشرفت آن جامعه محقق می شود؛ بنابراین همانا زنان به مبارزه تا دستیابی به ضمانت موکد قانونی برای حفظ کرامت و به دست آوردن آزادی و حق بر خود و فرزندانشان ادامه خواهند داد و پس از این در حاشیه ماندن را نخواهند پذیرفت. و جنبش آزادی زنان ضرورتی برای مقابله با تمامی اشکال عقب ماندگی و خشونت و جنایت است.

و از آنجا که تضمین آزادی زن و حقوقش از اهداف پایه ای برای خودمدیریتی دموکراتیک است، باید به تمام مسائل مهم زنان در جامعه و رفع کمبود های آن در تمام زمینه ها و تامین امنیت و آسایش برای زنان و دفاع از زنان در مقابل آزار و خشونت بپردازد و حقوق قانونیشان را تضمین کند.

برای این منظور، ما تصمیم به تدوین مجموعه اصول اساسی و مقررات عمومی ویژه زنان، متضمن برابری عملی در راستای ایجاد یک جامعه آزاد دموکراتیک-اکولوژیک گرفتیم.

اصول اساسی

1- مبارزه با ذهنیت استبدادی ارتجاعی در جامعه وظیفه تمامی افراد در مناطق خودمدیریتی دموکراتیک است.

2- برابری زن و مرد در تمام حوزه های زندگی شخصی و عمومی.

3- حق اجرا و انتخاب در تمامی مناصب برای زنان.

4- التزام به اصل مدیریت مشارکتی در تمامی نهادها.

5-حق زنان برای تشکیل سازمان های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سازمان دفاع مشروع و هر سازمان ویژه دیگری که قرارداد اجتماعی را نقض نکند.

6- حضور یک نماینده از نهاد زنان و نهاد حقوق بشر به عنوان ناظر بر بحث قوانین صادره در شرایط ویژه در شورای قانونگذاری، با دعوت قبلی از سوی شورا.

7- صدور قوانین ویژه زنان در شورای قانون گذاری خواست زن را عین اعتبار قرار میدهد.

8- برابری زن و مرد در دستمزد و پرداخت حقوق.

9- برابری شهادت زن و شهادت مرد از نظر ارزش قانونی.

10- ممنوعیت ازدواج دختر بدون رضایت شخصی اش.

11- الغاء مهریه به عنوان ارزشگذاری مادی با هدف تملک زن، و جایگزین کردن آن با مشارکت دو طرف برای

تامین زندگی مشترک.
12- قانونمند کردن ازدواج شهروندان
13- ممنوعیت چند همسری
14- حق تقاضای طلاق برای هر دو طرف و غیر مجاز شمردن طلاق با خواست تنها یک طرف.
15- برابری زن و مرد در تمامی مسائل ارثی
16- ممنوعیت ختنه دختران و ازدواج با اطفال- زیر هجده سال بر اساس قوانین حقوق کودک- و ازدواج بدل از دیه.
17- قتل ناموسی جرم قلمداد می شود و جزای کامل بر ارکان مادی و معنوی و قانونی برای آن در نظر گرفته شده و مرتکب آن با مجازات های در نظر گرفته شده برای قتل عمد در قانون جزایی مجازات خواهد شد.
18- اعمال مجازات شدید و برابر برای مرتکب خیانت در ازدواج برای طرفین .
19- خرید و فروش زنان و کودکان در تمامی اشکالش جرم محسوب شده و مجازات بسیار شدید برای مجرم در پی خواهد داشت ؛ کلیه اشکال خرید و فروش مشمول قانون خواهند بود(استثمار جنسی – کارکودکان – قاچاق اعضاء بدن)
20- ممنوعیت خشونت و تبعیض بر علیه زنان، و تبعیض بر علیه زنان به عنوان عمل خلاف قانون تحت پیگرد قرار می گیرد و مبارزه با کلیه اشکال خشونت و تبعیض از طریق توسعه ساز و کارهای قانونی، و خدمات حفاظت از برابری وپیشگیری از خشونت و درمان قربانیان خشونت وظیفه اداره خودمدیریتی دموکراتیک است.
21- تضمین حقوق کودکان و حمایت آنها در برابر تمامی اشکال خشونت و استثمار وظیفه اداره خودمدیریتی دموکراتیک است.
احکام اساسی
22- تامین برابری حقوقی زن و مرد، ویژه قوانین جنسیتی
23- نهاد رهبری، خود مدیریت دمکراتیک موظف است که بیمه های درمانی و اجتماعی را برای آحاد، افراد و خانواده ها بویژه کودکان و زنان تامین کند، نهاد رهبری همچنین موظف است پایه های اولیه تامین زندگی انساسی، آزاد و ابرومندانه را برای زنان تنها " که از همسرانشان جدا شده اند" و زنان مسن " سالمندان " تامین کند.
24- ازواج دختران زیر 18 سال ممنوع میباشد.
25- زنان حق سرپرستی کودک " حق حضانت کودکان " را، تا سن 15 سالگی دارند، صرفنظر از اینکه مادر ازدواج مجدد کرده باشد یا نه. بعد از 15 سالگی حق انتخاب با فرزند می باشد. والدین موظف به تامین زندگی کودکانشان هستند، تا زمانی که انان توان و امکان اداره زندگی خود را بطور مستقل داشته باشند.
26- کودکان زیر سن 15 سال هنگام سفر، باید اجازه والدین را داشته باشند.
27- هنگام بررسی پرونده ویژه زنان و خانواده در دادگاه، باید نماینده نهاد مرکز زنان، حضور داشته باشد. اظهار نظر وی مشورتی است و اجرای آن الزامی نیست. .
28- زنان حق برخورداری از حقوق ماهیانه در زمان بارداری را دارند. این حق شامل سه بار بارداری (3 فرزند) خواهد بود.
29- زنان هنگام جدائی " طلاق " حق تصرف تمامی دارایی منقول " طلا و جواهرات و ما به ازای نقدی این اموال را دارند. چه این اموال در اختیار خود زنان باشد باشد چه از طرف همسر فروخته شده باشد
30- نهاد اداره کننده خود مدیریت دمکراتیک موظف به ایجاد محل امن برای زنان حامله ای که مورد خشونت قرار گرفته اند میباشد. همچنین این نهاد مسئولیت ایجاد شیرخوارگاه، و تامین کلیه امکانات لازم برای انان می باشد.
این قوانین بعد از پخش، اجرائی خواهد، شد.
1 نوامبر 2014
رؤسای نهاد رهبری کانتون جزیره
هدیه علی یوسف – حمید دهام العاصی

تظاهرات سازمان یافته راستگرایان، سفیدپوستان نژادپرست و فاشیسم، علیه پناهندگان در سیدنی- استرالیا

کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استرالیا، جهت همبستگی با پناهندگانی که برای رسیدن به درخواست های انسانی خود دست به اعتصاب غذا زده اند، فراخوانی بشرح زیر داد:

ایرانیان مقیم سیدنی

در همبستگی با اعتصاب غذای پناهندگان در جزیره مانوس گینه پاپوا و در اعتراض به سرکوب این اعتصاب توسط نیروهای گارد استرالیا و گینه کمیته ما به دعوت گروه حامیان پناهنده (ریفیوجی اکشن گروپ) برای شرکت دریک آکسیون اعتراضی که از روز جمعه هفته گذشته شروع شده است و به مدت یک هفته ادامه دارد ،پاسخ مثبت داده و در این آکسیون شرکت می کنیم ما همه مدافعان پناهندگان و مردم آزادیخواه را به شرکت در آن فرا می خوانیم .

مکان: روبروی تاون هال سیدنی خیابان جورج

زمان : روز پنجشنبه 2015/2/5 از ساعت 5.30 تا 7.30 بعد از ظهر

کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران – استرالیا

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن 0413489420 تماس حاصل نمائید

proletarianunite@gmail.com

در روز تحصن،عده ای از ایرانیان و استرالیائی ها برای ابراز همبستگی با پناهندگان بما پیوستند.گرد همآئی ما در کنار ساختمان تاون هال شهر سیدنی در یک مکان پر رفت و آمد بود پلاکاردهای ما حاوی شعارهائی همچون به " شکنجه و سرکوب پناهندگان پایان دهید "، " پناهنده بودن جرم نیست " و ..... همراه اسم کمیته همبستگی به زبان انگلیسی بود. اطلاعیه کمیته نیز در همین رابطه نیز بین حاضرین و مردم کنجکاو به مسئله پناهندگی و با توضیحات رفقا پخش می شد. حدود ۴۵ دقیقه از گردهم آئی مسالمت آمیز ما نگذشته بود که سر و کله عده ای با لباس سربازان جنگ های صلیبی، با کلاه خود و صورت های پوشیده، با در دست داشتن پرچم های استرالیا و پوسترهائی علیه پناهندگان و برای برهم زدن گردهمائی ، مقابل ما صف آرائی کرده و به شعار بر علیه ما و پناهندگان پرداخته و از ما عکس و فیلم گرفتند.آنها پلاکاردهایی با عکس آنگلا مرکل و دیوید کامرون و اولاندا و شعارهائی مثل "پناهنده به خانه ات برگرد"، " ما تروریست نمی خواهیم "، " کمونیست ها گم شوید " و...داشتند واز دو بلندگو برای خفه کردن صدای ما استفاده می کردند.

پلیس های جوان که نظاره گر بودند، در اعتراض ما گفتند که:«دمکراسی است و حق دارند ابراز عقیده نمایند»! در صورتی که آنان نه اجازه قانونی داشتند، و نه مقرراتی را رعایت می کردند که برای اعتصاب مسالمت آمیز لازم است از جمله استفاده نکردن از بلند گو به علت سر و صداهائی که برای اطرافیان و رهگذران خوشایند نیست و مزاحم آسایش مردم می گردد. برخی از آنان صورت های خود را پوشانده بودند . آنها برای تهدید و ارعاب آمده بودند آنها ما را تروریست اسلامی می نامیدند آنهم در شرایطی که تروریست های اسلامی با پرچم داعش و با حمایت های مخفی و غیر مخفی راست از اسلامیست های مرتجع با حمایت پلیس تظاهرات برپا می کنند و راست استرالیا یکی از مدافعین این نیروهای مرتجع است. وقتی دوستان استرالیائی ما با صدای بلند اعلام می کردند که اینها خود از جهنم حکومت اسلامی آمده اند آنها نمی دانستند باید چه بگویند بعد هم شروع کردند به فحاشی به سوسیالیزم و کمونیسم . این کار آنها برای مردمی که حرکات آنها را تماشا می کردند خنده دار به نظر می آمد ولی آنها سازماندهی شده به آنجا آمده بودند و می بایستی وظیفه خود که بوجود آوردن درگیری است ، را به انجام برسانند.

ما هم که در ابتدا ساکت بودیم وبا در دست داشتن پلاکاردها به تحصن حمایتی خود از پناهندگان خود ادامه می دادیم، با مشاهده این برخورد پلیس و با استفاده از «دمکراسی سرمایه داری!»، بنفع پناهندگان وعلیه نژادپرستی سفیدپوستان و فاشیست ها شروع به شعار دادن کردیم. شعارهای ما «پناهندگی جرم نیست»، «به شکنجه پناهندگان پایان دهید»، «فاشیست ها به خانه هایتان برگردید»، «قاتلین بومیان استرالیا»، و... بود.

راستگرایان، نژادپرستان، و فاشیست های استرالیا با استفاده از جو موجود، با دلگرمی از راست ترین جناح های سیاسی در قدرت، می خواستند مانع از ابراز مخالفت ما با سیاست های ضد پناهندگی دولت ارتجاعی و راستگرای ائتلاف لیبرال و ناسیونال گردند، ولی در تلاش خود موفق نشدند. و سرانجام پلیس آنان را از ما دور ساخت . این تحصن در ساعت اعلام شده به کار خود پایان داد .نکته قابل ذکر در اینجا حمایت اکثریت مردم حتی سفید های استرالیائی از ما و علیه راسیست ها بود، اطرافیان و رهگذران با ما ابراز همبستگی کردند و برایمان غذا و نوشابه خریدند. عده ای نیز با دادست دادن و حمایت شفاهی از شجاعت ما ابراز خوشحالی نموده وباعث دلگرمی ما بودند . خوشبختانه مردم استرالیا با همه تبلیغات ضد پناهندگی که در جامعه جریان دارد همچنان از حقوق پناهندگی دفاع می کنند و ما در آکسیون خود این حمایت را می دیدیم .

در این گردهم آئی اعتراضی، حدود ۲۵۰ عدد از اطلاعیه ما مبنی بر «پناهندگی جرم نیست»، بزبان انگلیسی بین رهگذران پخش شد. عده ای زیادی با موبایل های خود از رهگذران از ما عکس و فیلم گرفتند تا در فیس بوک، توییتر و دیگر رسانه های اجتماعی خود منتشر کنند.

در سه چهار سال اخیر این اولین بار است که راستگرایان، نژادپرستان، و فاشیست های استرالیا با حمایت پلیس و سازمانیافته، این چنین با وقاحت در اعتراضات ضد پناهندگی حضور پیدا می کنند (که خود حاکی از درماندگی سیاسی نیروهای راست و بی ربطی آنها به مسائل انسانی است) ، مطمئنیم که آخرین بار هم نیست. وظیفه نیروهای چپ، دمکرات، حامیان پناهنده و حقوق بشری های واقعی آن است که منجسم، متحد و در کنار کارگران و زحمتکشان استرالیا که نسبت به پناهندگان ابراز همبستگی کامل دارند، در کارزارهای آینده خود، یک صدا پوزه نیروی راست و نژادپرستان ، را هم چون گذشته بخاک بمالیم.

درود بر پناهندگان – نابود باد نژادپرستی و فاشیست!

کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران – استرالیا

6/2/2015

گزارش یک رفیق در حاشیه آکسیون حمایتی از پناهجویان

امروز عصر این حرکت هم دلی و هم دردی با پناه جویان در بند در بازداشت گاه‌های استرالیا
در یکی از نقاط پر رفت و آمد شهر سیدنی برگزار شد. به طور ناگهانی عده‌ای فاشیست ضدّ مهاجر و پناهنده
با اعلم و کتل و دبدبه و کبکبه روبروی ما صاف آرایی کردند. آنها با ماسک‌هایی بر صورت چکمه‌هایی تا زانو و درفش هایی
در دست آمده بودند ما را بترسانند (بچه‌های خاور میانه را) هر چه اراجیف بلد بودند نثار ما ، پناهنده، و به خصوص جهان سومی‌ها کردند
.و چون در بین ما از دوستان استرالیایی دیدند شروع به اراجیف علیه چپ و کمونیسم کردند
پسر جوانی با کت و شلوار و کراوت کیفی را روی شانه حمل میکرد. نا گفته پیدا بود که از سر کار بر میگردد. او حرکت فاشیست هارا با ناباوری
نظاره میکرد وقتی سر خود را به طرف دیگر بر گرداند مارا دید با پلاکاردهایمان . من که آخر صف ایستاده بودم شعارهای
"پناهندگی جرم نیست" و "آزار و اذیت پناه جویان را متوقف کنید"را در دست داشتم. مرد جوان به طرف من آمد دستش را روی شانه‌ام زد و گفت
"دمت گرم" .او دقایقی بعد دوباره به طرف من آمد با دست‌هایی پر از غذا و نوشیدنی. گفت "می‌دانم به تعداد تان کافی نیست اما این کاری بود که من تونستم
"انجام دهم و از من خواست که آن را بین بچه‌ها تقسیم کنم ، گفتم: "دمت گرم"
فاشیست‌ها هم چون از عابرین چشم وغره زیاد نسیب‌شان شد ، دست از پا درازتر از جلو چشم ما دور شدند.

مصوبات

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

خارج کشور

الف :" اشتراکات ما "

1- نهادهای همبستگی با کارگران ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهاد ها می باشد.

2- این نهادها در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.

3- تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشارمحروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

4- تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست.

5- تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی ازجمله وظائف مشترک ماست.

6- جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است .

ب :" ارگان ها "

یک : مجمع عمومی

1- مجمع عمومی عالی ترین ارگان برنامه ریزی و تصمیم گیری نهاد های همبستگی کارگری است. این مجمع عمومی هر6 ماه یک بار تشکیل می یابد. نشست و یا مجمع عمومی حضوری سالی یکبار برگزار میگردد.

2- مجمع عمومی بررسی گزارش های هئیت هماهنگی و واحد ها، پشنهادات، تغییر یا تکمیل مواد یا مبانی همکاری ها، برنامه ریزی آینده و انتخاب هئیت هماهنگی آینده را بعهده دارد.

3- مجمع عمومی با حضور دو سوم نهادها رسمیت می یابد. حضور تمامی اعضا نهادها در مجمع عمومی ضروری و آزاد است.

4- به پیشنهاد نصف بعلاوه یک نهادها و شرح ضرورت آن مجمع عمومی فوق العاده فراخوانده میشود.

5- بررسی و پذیرش تقاضای پیوستن نهادهای جدید براساس قبول موازین مشترک جمع و حداقل معرفی یک نهاد صورت می گیرد.
این تقاضا ازطریق کمیته هماهنگ کننده برای همه نهادها ارسال می‌شود که درصورت توافق نصف به علاوه یک نهادها درمدت یک ماه، آن نهاد به عضویت در می آید.

تبصره – درصورت ارائه سند ازجانب نهادی درمورد عدم صلاحیت نهاد متقاضی عضویت ، تصمیم گیری برعهده اولین مجمع عمومی میباشد.

6 – میهمانان درمجامع عمومی عبارتند از:

الف – رفقائی که هیئت هماهنگ کننده ازفعالان کارگری داخل وخارج ازکشوردعوت به عمل می آورند.شرکت این میهمانان درمجمع عمومی با تائید دوسوم هیئت هماهنگ کننده صورت میگیرد.

ب – رفقائی که دررابطه با مناسبات همبستگی بین‌المللی وارتباط با گرایشات چپ کارگری شهری از طریق رفقای تدارک دهنده مجامع عمومی دعوت می شوند. رفقای دعوت شده میتوانند درتمامی طول جلسات حضور نمایند. با بحث و تبادل نظرات وبعنوان مشاوروانتقال تجربه درمباحث شرکت نمایند و رای مشورتی دارند.

7 - همه اعضای حاضر در مجمع عمومی از حق رای مساوی برخوردار هستند.

8 - نهاد محلی به نهادی گفته می‌شود که حد اقل ازسه عضوتشکیل شده ودرپیوند بامحیط استقرارخود (کشوریاشهر) فعالیتی مستمربرای جلب حمایت ازجنبش کارگری درایران داشته باشد.

دو : هئیت هماهنگ کننده

1 -مجمع عمومی برای هماهنگ کردن فعالیت ها و پیگیری مصوبات ، برنامه ها و رابطه بین نهاد ها یک هیئت هماهنگ کننده سه نفره انتخاب میکند.

2- هیئت هماهنگ کننده هر 14 روز یکبار تشکیل جلسه داده و وظایف را بر حسب مورد بین خود یا اعضای دیگر تقسیم میکند. سایر اعضای نهادها نیز میتوانند بدون حق رای وتنها باحق مشارکت دراین نشست ها شرکت کرده و درچهارچوب دستورجلسه تعیین شده توسط هیئت هماهنگ کننده ودرمحدوده زمانی که برای اظهارنظرات آن‌ها معین می شود، نظرات مشورتی خودراابرازکنند.

3- هئیت هماهنگ کننده مجاز نیست به اقدامات یا برنامه هائی خارج از مصوبات مجمع عمومی بپردازد. همچنین حق نقض ویا تغییر تصمیمات مجمع عمومی را ندارد. هر پیشنهاد یا برنامه جدید باید به اطلاع تمامی نهادها رسیده و با توافق نصف بعلاوه یک آنها قابل اجرا خواهد بود.

4- هیئت هماهنگ کننده راسا مجری هیچ برنامه ای نیست بلکه میکوشد با درگیر کردن تمامی رفقا و تقسیم کار مناسب از طریق تشکیل گروه های کاری فعالیت های عملی را هماهنگ کند.

5- گزارشات مجامع عمومی ، مصوبات، اطلاعیه ها و اخبار مربوط به مجموع نهادها تنها از طریق هیئت هماهنگ کننده انتشار بیرونی می یابد و از طریق ایمیل گروهی توزیع درونی می شود.

6-با توجه به نیاز و ضرورت، جلسات عمومی از اعضای نهادها برگزارمیشود. در این جلسات که معادل مجمع عمومی نبوده وازاختیارات مجمع عمومی برخوردارنیستند، نهادها گزارش فعالیتهای خود را ارائه داده و نیز بحث، تبادل نظر و مشورت پیرامون پیشنهادات و فعالیتهای جاری صورت میگیرد. اداره این جلسات عمومی بعهده هیئت هماهنگ کننده بوده و گزارش این جلسات را تهیه و به نهادها ارسال میکند.

7-هر شش ماه یکبار در مجمع عمومی سه نهاد به طور دوره ای و چرخشی برای تشکیل هئیت هماهنگ کننده انتخاب میشوند. هر یک ازاین نهاد ها یک نفر را برای شرکت در هئیت هماهنگی معرفی میکند.

8 – هیا ت هماهنگ کننده می باید بصورت کاملاً پیگیرخواهان ارسال گزارشا ت شش ماهه نهادهابشود وبعد ازبررسی، آن گزارشاتی راکه برای انتشاربیرونی مناسب هستند به مجمع عمومی ارائه دهد تادرمورد آنهاتصمیم گیری شود.

9 – بمنظورانتقال تجربه ازهیات هماهنگ کننده قبلی به هیات جدید، ضروری است یک نفرازاعضای هیات پیشین، درجلسات هیات هماهنگ کننده جد ید به مدت یکماه بعنوان مشاور حضورداشته باشد.

10 – مسئولیت انتشاربیا نیه واطلاعیه ها با هیئت هماهنگ کننده بامکانیزم 48 ساعت گردش ونظرخواهی دردرون نهادها میباشد.

تبصره یک : اطلاعیه وبیانیه ها بایستی حتی الامکان کوتاه وروشن درچهارچوب مصوبات وسیاست کلی نهادها وبدون واردشدن به مباحث پلمیک ونظری باشند.

تبصره دو:اطلاعیه ها بصورت پیش نویس به هیئت هماهنگ کننده ارسال وازآنجا به همه نهادها ومنفردین برای نظردهی فرستاده می شوند. اگرنهادی مخالفت یا ملاحظه ای درمورد بیا نیه واطلاعیه داشته باشد، بایستی مورد اصلاحیه اش رامشخص نماید وارائه دهد. چنانچه نهادی باکلیت بیانیه واطلاعیه مذکورمخالف باشد، می باید اطلاع دهد، تا نام وامضای آن نهاد درپائین بیانیه درج نشود واگرنهادی دراین رابطه جواب نداد، دلیل برموافقت بابیانیه پیشنهادی است. زمان مورد نظربرای نظردهی درباره بیانیه واطلاعیه ها 48 ساعت می باشد.

تبصره سه : درصورتی که نهادی با بیا نیه یااطلاعیه ای توافق نداشته باشد، اسامی سا یرنهادها بدون ذکر نام نهاد مخالف،درزیربیانیه واطلاعیه آورده می شود. درصورت توافق اکثریت نهادها، ذکرنام تمامی نها دها ضرورتی ندارد.

پ – ضوابط همکاری ها

1- هریک از نهادها متشکل از افرادی با گرایشات سیاسی گوناگون می باشند، لذا این مجموعه ، جریانی چندگرایشی و مستقل از احزاب و سازمانهای سیاسی است و به هیچ وجه گرایشی مجاز نیست خودرا بر این مجموعه تحمیل کرده و یا به نوعی این نهادها را زیر مجموعه خود محسوب نماید .

2- مناسبات بین نهادها بر اساس همکاری جمعی است، سمت و سو و تمرکز اصلی آنها بر شرکت در فعالیتها و همکاری عملی است. در چنین روندی جهت انسجام و صیقل بخشیدن به مسائل فکری در زمینه های نظری، مباحث سیاسی ـ اجتماعی بر مبنای اهداف جنبش کارگری را در مسیر همکاریهای خویش قرار خواهیم داد ولی تصمیمات سیاسی ـ نظری گرفته نمیشود.

3 ـ نهادها در سطح محلی کاملا مستقل بوده و میتوانند راسا و یا با شرکت هر نهاد مترقی دیگری فعالیتهائی داشته باشند. همچنین در صورت عدم توافق با یک برنامه جمعی پیشنهادی به هیچ وجه ملزم به تبعیت و اجرای آن نیستند.

4 ـ تصمیم گیریها بین نهادها بر اساس تفاهم، اعتماد متقابل، احترام، بحث و اقناع می باشد. در مواردی که نیاز به رای گیری باشد، توافق نصف به علاوه یک اعضای شرکت کننده درنشست ضروری است.

5 ـ نهادها داوطلبانه در فعالیتهای عملی مشترک شرکت میکنند، ودر صورت شرکت، متعهد به انجام آن و سپس دادن گزارش کتبی فعالیت های خود به مجمع عمومی می باشند.

6 ـ هیچ نهادی حق ارائه بیرونی اسناد و گزارشات جلسات درونی نهادها و همچنین سمینارهاو جلسات عمومی در سطوح مختلف ،بدون توافق کلیه نهادها را ندارد.

7 – نهادها موظف به ارائه گزارش اقداما ت شش ماهه خود میباشند. این گزارشا ت می باید یک ماه پیش ازمجمع عمومی حضوری یا پالتاکی به هیئت هماهنگ کننده ارسال شوند تا برای اطلاع دراختیا رنهاد ها گذاشته شود.

8 – نهادهای همبستگی باجنبش کارگری، بنا به تعریف، جمع نهاد ها ست وترجیح وتشویق آن برایجا د نهادهای متشکل درکشورها وشهرهای مختلف وپرهیزازانفراد وتک یاختگی است. با این حال خود را ازتوان وتجربه فعا لین کارگری درخارج ازکشورکه به هردلیل بصورت نها د محلی عمل نمی‌کنند بی نیازنمی داند وآنا ن رابه همکاری دعوت می کند.

واحد های محلی نها دها ی همبستگی درسطح کشورها برای امکان همکاری وهماهنگی میا ن نهادها ایجا د شده‌اند تا یک جمع بزرگ‌تر وفراگیرترازتک تک نهادهاایجا د شود، یعنی روش کارنهادها نباید درجهت تائید انفرادگرائی ومیدان داد ن به آن باشد. همکاری منفرد ین باجمع نهادها برقبول این اصل بنیادی وبدیهی استواراست که نها دها شالوده این تجمع وهمکاری را تشکیل میدهند وموازین وشرایط کاروهمکاری بامنفردین درهیچ موردی نبا ید اسا س موجودیت نهادی راتحت الشعاع قراردهد.

9 – هرمتقاضی عضویت انفرادی را می باید حد اقل یکی ازاعضای نها دها معرفی کند.

10– عضو منفرد می بایست بصورت فعال دریکی ازفعالیتهای عمومی نهادها ازجمله کمیسیونها شرکت داشته باشد. عضومنفرد در صورت غیرفعال بودن درفعالیتهای عمومی نهادها، تنها برخورداراز حق رأی مشورتی است. توصیه می‌شود بمنظوراهمیت فعالیت دسته جمعی ونهادی و پیشبرد بهتراین نوع فعالیتها ، از هر نهاد حداقل یک رفیق دریکی ازفعالیتهای عمومی شرکت فعال داشته باشد.

11 – عضومنفرد نمی تواند به عضویت هیئت هماهنگ کننده نهادها انتخاب شود اما میتواند مسئولیت کمیسیون های و گروههای کاری را برعهده گیرد.

12 – مناسبات در درون نهادها می باید برشفافیت وصداقت وصراحت استواربا شد. هرنها د وعضونهاد وهرعضومنفرد حق دارد دررابطه با مباحث وتداركات تصمیمات ویا اختلافات موجود، به طرح آزادانه نظرات خود وجلب نظرد یگران بپردازد اما این کا رباید با انتشارعلنی متن مربوطه درجمع نها دها ودعوت عمومی به امضای موافقین آن با شد.

13 - کسانی که ازنهادها اخراج و یا به هردلیلی جدا می‌شوند، برای پذیرش دوباره درنهادها پروسه عضویت منفردین مستقل را طی می نمایند.

14 – هرعضووهرنهادی که درهرنشست امپریالیستی وآلترناتیوسازی بورژوازی که درچهارچوب تائید نهادها قرارندارد، شرکت کند، بایستی پاسخگودربرابرنها دها باشد.

چنا نچه رفیق یا نهاد شرکت کننده درچنین جلساتی، با آگاهی ازماهیت نشست درآن شرکت کرده وازاین عمل خود د فاع نماید، بلا فاصله عضویت فرد یا نها د مربوطه ازطرف هیئت هماهنگ کننده تا مجمع پیش روبه تعلیق درمی آید وتصمیم قطعی درمجمع عمومی گرفته خواهد شد.

اولین مجمع عمومی پس ازتعلیق، وضعیت قطعی رفیق یا نها د مربوطه را تعیین خواهد کرد وصورت مسئله برپایه گزارش هیئت هماهنگ کننده درسطح جنبش انتشا رداده می شود.

درصورت برگزاری چنین جلسه ای، فرد یا نها دی که تمایل به شرکت درآن را دارد، چنانچه به صورت نهاد همبستگی شرکت میکند، می با یست به هیئت هماهنگ کننده اطلاع دهند تا آ ن اجلاس ویا نحوه شرکت درآن، مورد توافق مجمع عمومی نهادها قرارگیرد.

چنانچه درشرایط ایجاد شده کوچکترین ناروشنی وجود داشته باشد، هیئت هماهنگ کننده موظف است پیش ازهرعمل یا تصمیم گیری، فراخوانی جهت برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده بدهد تا مسئله درآن مجمع، مورد بررسی قرارگیرد.

15 – نهادها حتماً باید درپنج مقطع زمانی معین، واکنش مقتضی را درقالب بیانیه واطلاعیه ویا در دستور گذاشتن یک کمپین، نشان دهند. اینهاعبارتنداز: اول ماه مه، سا لگرد کشتارزندانیان سیا سی دهه شصت، سا لگرد کشتارکارگران خاتون آبا د، هشت مارس، کمپین برای آزادی کارگران زندانی.

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط

کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.
رژیم سرمایه داری
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و
شروط و وثیقه های سنگینی
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلها ، گروهها و ... را فرامیخواند که به
هرشکل و با هر توانی که دارند
کمپینهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی
نموده و شرکت نمایند،
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپینهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،
سندیکا ها، اتحادیه های کارگری،
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...
برای آزادی فوری و بی قید وشرط کارگران زندانی
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در تشکل های طبقاتی و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی
و تمامی زندانیان سیاسی
درگرو
گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیزرایج بود، ادامه داد .این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگرنیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

زندانهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلها، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران–خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده وخواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

تا آزادی تمامی کارگران دستگیرشده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.

برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هواداران و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید وشرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزارکرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپنها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هرشکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هرشکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، آکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتربا جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هرشکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور